

نگرشی بر جایگاه بهره‌ها و خوجه‌ها در هند

سید حسین اظهري لمراسكي^۱

ایمان اوانی^۲

چکیده

فرقه‌ی اسماعیلیه که از قرن دوم وارد جامعه‌ی اسلامی شد تا به حال به حیات خود ادامه داده است. در طول تاریخ این فرقه به دلایلی از قبیل: اختلافات فکری، تفاسیر مختلف از نصوص دینی، جاه طلبی برخی رهبران آن و اختلاف در جانشینی، دچار انشعابات گوناگون شده است. فرقه اسماعیلیه در مناطق مختلفی از جمله ایران، مصر، یمن و هند حضور داشتند. این فرقه حضور خود را در هند تا به امروز ادامه داده است و در این منطقه نیز پیروانی دارد که شامل دو جماعت "بُهره و خوجه" می‌باشد.

بهره‌ها، احکام و عبادات دینی را به دقت انجام می‌دهند، اما خوجه‌ها، چندان در بند احکام هندوها افتادند؛ که اکثر احکام و مراسم مذهبی آنان بر اساس قوانین هندو تنظیم می‌شود. در این جستار برآنیم تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به معرفی بهره‌ها و خوجه‌ها و رسوم و عقایدشان بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: اسماعیلیه، هند، بُهره، خوجه، آداب و رسوم.

Hoseynazhari@yahoo.com

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی

Avani_iman@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۲۵

مقدمه

اسماعیلیان در حدود قرن دوم هجری در جامعه‌ی شیعی به صورت مجزا، موجودیت یافتند و در سده‌های میانه دو دولت فاطمیان و اسماعیلیان ایران برای خود تأسیس کردند. علاوه بر جماعت شیعه دوازده امامی، دو فرقه‌ی شیعه "سبعیه یا هفت امامی" نیز در هندوستان انتشار یافتند که هر دو، امام هفتم خود را اسماعیل بن جعفر^(ع) می‌دانند. اکثریت هر دو فرقه در بمبئی و نواحی آن متمرکزند. پیشوای آقاخانیه، شاهزاده آقاخان (کریم بن علی) است که متجدد و فرنگ مآب است. رهبر بهره‌ها هم (مولانا طاهر سیف الدین) از علمای روحانی است. هر دو امام حاضر و در بین پیروان خود محبوبیت بسیار دارند.

مهم‌ترین طوایف اسماعیلی که در هند زندگی می‌کنند عبارت‌اند از:

۱. خوجه‌ها در پنجاب، سند و جاهای دیگر به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. اولین فردی که نام خوجه به آن‌ها داده، یکی از داعیان نزاری در قرن هشتم می‌باشد. خوجه‌ها غالباً به تجارت مشغول‌اند و دارای آداب و رسوم هندی می‌باشند، آن‌ها به عنوان طرفداران امامان نزاری (آقاخان‌ها) معروف هستند و اکنون پیرو آقاخان چهارم می‌باشند.

۲. طیبیان اعم از داودی و سلیمانی (بهره‌ها) که برخلاف خوجه‌ها، به شریعت و فقه پای بند بوده، اعمال عبادی آن‌ها به وسیله‌ی بزرگان دینی انجام می‌گیرد. محل عبادات آن‌ها به "جماعت خانه" معروف است و نماز را در سه نوبت به جماعت می‌خوانند، ولی نماز جمعه برگزار نمی‌کنند. از مراسم عبادی-زیارتی آن‌ها، سفر به مکه، مدینه، نجف، کربلا و قاهره بوده، و از مهم‌ترین مراسم آن‌ها،



عزاداری محرم و جشن عید غدیر است. آن‌ها شب نیمه شعبان را شب تقدیر و تعیین سرنوشت می‌دانند.

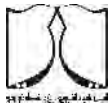
اسماعیلیه

اسماعیلیه یکی از شاخه‌های کهن و بزرگ شیعه است که افزون بر اختصاص بخشی از رویدادهای تاریخ در مناطق مختلف جهان اسلام از هند گرفته تا مصر و مناطق غربی ترآفریقا، خود توانسته است دولتی گسترده برپا کند و در سایه‌ی این دولت خدماتی به فرهنگ و تمدن اسلامی ارائه دهد. (صابری، ۱۳۸۳: ۱۰۵/۲)

اسماعیلیه شاخه‌ای از مذهب شیعه است که در اواسط سده‌ی دوم هجری شکل گرفت و بر سر اختلاف درباره‌ی جانشینی امام جعفر صادق^(ع) پدید آمد. امام صادق^(ع)، نخست بزرگ‌ترین پسر خود اسماعیل را به جانشینی برگزید، اما اسماعیل در زمان زندگانی پدر درگذشت. (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۴۹)

اسماعیلیان معتقد بودند که پس از امام جعفر صادق^(ع) پسر بزرگ‌ترش اسماعیل که در حیات پدر درگذشت، وارث مقام امامت است نه امام موسی کاظم^(ع). این عده اعتقاد داشتند که فرزند اسماعیل (محمد) امام است و امام کاظم^(ع) نمی‌تواند امام باشد؛ زیرا امامت پس از امام حسین^(ع) از برادر به برادر منتقل نمی‌شود. بنابراین امامت باید در اولاد اسماعیل ادامه یابد. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

اسماعیلیه در طول تاریخ و در مناطق مختلف جهان اسلام به نام‌های دیگری شهرت داشتند. این نام‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته، نام‌هایی



که آنان بر خود نهاده بودند و دسته‌ی دیگر، نام‌هایی که دشمنانشان به آنها نسبت می‌دادند.

اسماعیلیان خود را به نام‌های سبعیه "بدان اعتبار که از عمده‌ترین گروه‌های هفت امامی در میان شیعیان بودند" (صابری، ۱۳۸۳: ۱۰۵)، سباعی، اسماعیلی، باطنیه "بدان اعتبار که آنان به معانی "باطن" برای متون دینی یعنی قرآن و حدیث عقیده داشتند" (دفتری، ۱۳۷۸: ۱۱۱)، تعلیمیه (که بجای تکیه بر رأی و عقل، بر فراگیری امام معصوم و داعیان او تأکید دارند)، اصحاب الدعوه الهادیه، اهل تأیید و اهل تأویل می‌خواندند. اما دشمنان آنها، ایشان را به نام‌هایی چون: قرامطه که در آغاز بر بخشی از اسماعیلیان یعنی پیروان حمدان قرمط اطلاق شده، اما بعدها ملاحظه، زنادقه، حشیشیه، فروکیه، ثنویه، اباحیه و مانند آن می‌نامیدند که البته در مورد برخی از فرق اسماعیلیه چندان هم بی اهمیت نبوده است، زیرا از مرگ اسماعیل تا زوال دولت فاطمی در مصر (۵۶۷ ق) برخی از این فرقه‌های فرعی، خود به دینی تازه تبدیل گردیدند. (خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۲/۱۷۳)

اسماعیل و ماجرای جانشینی امام صادق^(ع)

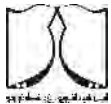
امام صادق^(ع)، ششمین پیشوای شیعه بر پایه‌ی سنتی که درباره‌ی تعیین جانشینی در دوره‌ی حیات امامان وجود داشت، پیش‌تر، پسر ارشد خود را به جانشینی معرفی کرده و بدین سان او "باب الله" و سبب میان خدا و خلق و نایب پروردگار در زمین شده بود. اما این جانشینی فعلیت نیافت و امامت شیعیان به فرزند دیگر آن حضرت یعنی موسی بن جعفر^(ع) رسید. (صابری، ۱۳۸۳: ۸-۱۰۷/۲)

اسماعیل فرزند ارشد یا فرزند دوم امام صادق^(ع) بوده و مادرش فاطمه، نوهی امام حسن مجتبی^(ع) نیز نخستین همسر امام صادق^(ع) بوده است. او در فاصله‌ی سال‌های ۱۱۰-۱۰۳ ق، در مدینه به دنیا آمده و میان او و برادر دیگرش عبدالله با برادران ناتنی وی یعنی موسی، اسحاق و محمد که از مادری به نام حمیده متولد شده بودند فاصله‌ی سنی زیادی وجود داشته است. (صابری، ۱۳۸۳: ۱۰۹/۲) بنا بر قول بیشتر منابع، اسماعیل در دوران حیات امام صادق^(ع) به ویژه در سال ۱۴۵ ق، درگذشت و او را در بقیع دفن نمودند. (دفتری، ۱۳۷۸: ۱۱۶)

انشعابات شیعه پس از رحلت امام صادق^(ع)

پس از رحلت امام صادق^(ع) بر سر جانشینی آن حضرت میان شیعیان اختلاف درگرفت و این اختلاف به تشکیل شش فرقه انجامید:

۱. ناووسیه: معتقد بودند که امام نمرده و همو مهدی منتظر است. رهبر این گروه عبدالله بن ناووس یا عجلان بن ناووس بوده است.
۲. اسماعیلیه خالص: معتقدند پس از امام صادق^(ع)، امامت به فرزندش اسماعیل رسیده است. این گروه مرگ اسماعیل را انکار و اعتقاد داشتند این خیر شایعه و برای فریب دشمنان بوده است و نیز می‌گویند، اسماعیل نمی‌میرد تا هنگامی که برای رسیدگی کار مردم، قیام کند.
۳. اسماعیلیه مبارکیه: پس از امام صادق^(ع)، نوهی آن حضرت، محمد بن اسماعیل، امام است و چون پدر او در زمان حیات امام صادق^(ع) درگذشته، امام، امامت پس از خود را به محمد سپرده است.



۴. سمیطیه: معتقد به امامت محمد بن جعفر معروف به دیباج بودند و به نام رهبر خود یحیی بن ابی سمیط به این نام معروف شدند.
۵. فطحیه: فرزند ارشد امام صادق و برادر تنی اسماعیل یعنی عبدالله بن افضح را امام می‌دانستند.
۶. گروهی که موسی پسر امام صادق را امام می‌دانستند و همان گروهی هستند که شاخه‌ی (امامیه) را استمرار بخشیدند.

ظهور قرامطه

این نام بر یکی از گروه‌های هم مسلک اسماعیلیان نخستین و بنابر پاره‌ای از گزارش‌ها بر یکی از شعبه‌های اسماعیلیه نهاده شده است. در نیمه‌ی دوم قرن سوم، فردی به نام حمدان بن اشعث قرمط در اطراف کوفه، مردم را به امامت محمد بن اسماعیل دعوت کرد و توانست تعداد زیادی را به کیش خود درآورد. وی در کوفه دست به شورش زد. این نهضت به نام رهبرش حمدان قرمط، قرامطه نامیده شد. وی داعیانی به بحرین و سوریه روانه کرد و خود در جنوب عراق فعالیت خود را گسترش داد. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

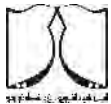
پس از آن که عبیداله بن مهدی، رهبر هیئت مرکزی خود را همان مهدی موعود و محمد بن اسماعیل معرفی کرد، این امر به مذاق قرمطیان خوش نیامده و یکی از داعیان به شام حمله نمود و عبیداله مهدی از شام به شمال آفریقا فرار کرد. قرمطیان، محمد بن اسماعیل را قائم آل محمد، ناطق هفتم و خاتم پیامبران اولوالعزم می‌دانستند که با ظهور خود شریعت جدیدی خواهد آورد و معانی

باطنی شریعت را ظاهر خواهد کرد. قرامطه امامت خلفای فاطمی را قبول نداشته با آن در جنگ بودند. (لویس، ۱۳۶۳: ۹۲)

از خروج محمد بن اسماعیل از مدینه به بغداد در حدود سال ۱۷۹ هجری تا ظهور قرامطه در حدود سال ۲۷۰ هجری در کوفه را اسماعیلیان با نام "دوره‌ی ستر" یاد می‌کنند.. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۱۴) تا قبل از عبیدالله مهدی، رهبران نهضت، خود را حجت‌الامام می‌دانستند، ولی عبیدالله با ادعای امامت، عملاً مهدویت محمد بن اسماعیل را انکار و قائل به تداوم امامت در نسل محمد بن اسماعیل شد و این چنین راه خود را از سلف خویش جدا نموده، فرقه‌ای جدید بنیان نهاد. او مهدویت را عنوان عامی دانست که به شخص خاصی ارتباط ندارد و هر ظهور کننده‌ای می‌تواند مهدی باشد. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۱۶)

پیدایش نزاریان

در زمانی که المستنصر بالله، هشتمین خلیفه‌ی فاطمی در سال ۴۲۷ هجری به حکومت رسید، هیچ کس فکر نمی‌کرد وفات وی در ۴۸۷ هجری سبب انشقاقی بزرگ در اسماعیلیان شود. المستنصر در موارد متعدد فرزند ارشد خود، (نزار) را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، ولی افضل، پسر بدرالجمالی وزیر خلیفه با انتخاب وی مخالف بود. او با مرگ المستنصر، فرزند جوانش، احمد را به عنوان خلیفه معرفی کرد و او را با لقب المستعلی بالله خطاب نمود. نزار نیز به قتل رسید. اسماعیلیان ایران و سوریه به رهبری حسن صباح امامت مستعلی را نپذیرفته، از فاطمیان جدا شدند و به نزاری معروف گشتند. (لویس، ۱۳۶۳: ۲۷۰)



پس از مرگ آخرین امام نزاری اسماعیلیه یعنی خورشاه و انقراض دولت اسماعیلیان نزاری ایران توسط هلاکوخان مغول تا اواسط قرن نهم هجری اطلاعی از نزاریان در دست نیست. در نیمه‌ی دوم قرن نهم هجری در "انجدان" محلات، افرادی ظهور کردند و خود را امامان نزاری نامیدند. آنان قائل بودند که قبل از تسلیم خورشاه، فرزندش شمس الدین را به مخفیگاهی در آذربایجان بردند و در آنجا امامان نزاری در خفا زیستند و در ادامه به محلات کوچ کردند. علت انتخاب انجدان، شاید به دلیل آب و هوای مفرح و حاصلخیز بودن منطقه، نزدیک بودن به مناطق شیعه نشین، تعداد زیاد اسماعیلیان در این مناطق و دور بودن از مقرّ قدرت‌های بزرگ سنی به ویژه آق قویونلوها در غرب و تیموریان در شرق بوده باشد.

این امامان اسماعیلی حدود دو قرن، فعالیت‌های تبلیغی دعوت را برای گروانیدن دیگران به کیش خود از سر گرفتند. دعوت نزاری به ویژه در شبه قاره هند موفق از کار درآمد و در آن جا عده‌ی زیادی از هندوان در سند و گجرات به کیش نزاری درآمدند و در هند به نام (خوجه) شهرت یافتند. سرانجام در اواسط قرن نوزدهم میلادی، مقر امامان نزاری و مرکز دعوتشان از ایران به هند انتقال یافت. (دفتری، ۱۳۷۸: ۸) با این انتقال، دوره‌ی جدید تاریخ جامعه‌ی نزاری آغاز شد. نزاریان با بهره مندی از سیاست‌های و خط مشی‌های نوین و شبکه‌ی گسترده‌ی ای از نهادها و بنیادها که دو تن از واپسین امامان آنها پدید آورده بودند به عنوان یک جامعه‌ی تحصیل کرده و مرفّه سر بر آوردند. (دفتری، ۱۳۷۸: ۹)

در هند و پاکستان بیش از دیگر جاها مراکز اسماعیلیه وجود دارد و در محل‌هایی به نام: اجمیر، مراوه، راجیوتانه، کشمیر، بمبئی، بروده و کورج فراوان‌اند. باید

گفت که همه‌ی اسماعیلیان هند از اتباع آقاخان نیستند بلکه عده‌ای از آنان را نیز (بُهره) گویند که غالباً در گجرات زندگی می‌کنند. (مشکور، ۱۳۷۵؛ ۵۲-۵۱) نزاریان هند در زمینه‌ی ادبی، ادبیات خاص خود را پرورده‌اند که (گنان) خوانده می‌شود و در آن سنن خوجه های نزاری و امام شاهی انعکاس یافته است. واژه‌ی (گنان) صورت عامیانه شده‌ی واژه (جنانه) است که در اصل لغتی سانسکریتی است و به طور کلی به علم مراقبه و علم تفکر معنی شده است. (دفتری، ۱۳۷۶؛ ۵۰۵)

ورود اسماعیلیان به هند

در مورد آمدن اسماعیلیان در قرون سوم و چهارم هجری به شبه قاره هند که در راستای پناه جستن ایشان از تعقیب و آزار خلفا بوده است. قدرت گیری اسماعیلیان، صرفاً به دلیل کثرت شمار مهاجران نبوده، بلکه بسیاری از هندوهای تازه مسلمان شده نیز به این کیش درآمدند، آنان می‌پنداشتند که اسلام تبلیغ شده از سوی حکام مهاجم، عنصری بیگانه با فرهنگ نیاکان آنان است، عناصری از تعلیم اسماعیلیه را با فرهنگ هندویی نزدیک‌تر یافتند و به این کیش تمایل یافتند. البته با حمله‌ی سلطان محمود غزنوی در اواخر قرن چهارم هجری به هند، اوضاع شیعیان اسماعیلی یا قرامطه سخت شد. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۲۳) سلطان محمود، حکومت مُلتان را که در فاصله نسبتاً کمی از خود قرار داشت، نتوانست تحمل کند و به آنان حمله برد ولی با توجه به نفوذ این عقیده در بین مردم، فقط به گرفتن خراج از آن‌ها بسنده کرد. اما اسماعیلیان پس از دو سال مجدداً قیام کردند و این بار سلطان محمود به بهانه‌ی رفع فساد عقیدتی و نشان



دادن ضرب شست به اسماعیلیان به شدت آنها را سرکوب کرد. (دفتری، ۱۳۷۸:

۲۵۰)

در قرن ششم، غوریان با حمله به سند، حکومت اسماعیلی یا قرمطی (سومره) را برانداختند. اما اسماعیلیان هند در قرن هفتم و در زمان حکومت (ایلمش) در دهلی شورش کردند و به جان وی سوء قصد نمودند که ناموفق ماند و به دست وی سرکوب شدند. قدرت گرفتن اسماعیلیه در هند، در ابتدا به دلیل عملیات نظامی نبوده، بلکه سیر درونی در عبادات و نقش پیر و داعی که مشابه نقش رهبران هندو بود، عامل گسترش این تعالیم در بین هندوان بود. علی رغم سرنگونی حکومت اسماعیلیان در بخشی از سرزمین هند، یعنی مُلتان به دست غزنویان و غوریان، اما از دامنه‌ی فعالیت‌های تبلیغی در هند، کاسته نشد.

مبَلِّغین این فرقه، عموماً از ناحیه یمن و ایران به هند می‌آمدند. اسماعیلیانی که از یمن به هند آمدند، اعزامی از سوی فاطمیان بودند و اعقاب ایشان بهره‌هایی امروزین هند هستند. (عزیز احمد، ۱۳۶۶: ۳۳) اما اسماعیلیانی که از ایران می‌آمدند، اسماعیلیان نزاری و وابسته به تشکیلات حسن صباح و الموت بودند که اعقاب ایشان امروزه (خوجه) خوانده می‌شوند. مهاجرت نزاریان به هند از قرن سیزدهم میلادی آغاز گشت و به ویژه از قرن شانزدهم تا نوزدهم میلادی شدت یافت. رئیس ایشان که مقام خود را عادتاً به ارث، صاحب می‌شود، لقب

آقاخان دارد و در نزدیکی شهر بمبئی زندگی می‌کند. (دفتری، ۱۳۷۸: ۹)

آقاخان اول در سال ۱۸۳۸ از ایران به هندوستان مهاجرت کرد. دودمان آقاخان‌ها از اعقاب کیا بزرگ امید شمرده می‌شوند. در هندوستان، (گجرات) بیش از ۱۵۰ هزار نفر (مستعلیه) اقامت دارند. ایشان را در آنجا (بهارا) یعنی بازرگان می‌نامند.

این واژه از کلمه‌ی (VOHORU) که در زبان گجراتی به معنی تجارت است، گرفته شده است. (پطروشفسکی، ۱۳۵۴:۳۱۹)

برخی از اصول و عقاید مذهب اسماعیلیه

یکی از اصول اساسی اسماعیلیه در باب امامت، این است که می‌گویند: "امامت با نص از پدر به پسر می‌رسد نه به کسی دیگر از خانواده مانند برادر، عمو و غیره." این اصل سبب انشعاب آن‌ها از شیعیان اثنی عشری بود و آن زمانی بود که امام صادق نص بر امامت فرزندش حضرت موسی کاظم کرد. (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۱۲۹) اسماعیلیان تسلیم این امر نشدند و گفتند: امامت از برادر به برادر قابل انتقال نیست و معتقد شدند پس از مرگ اسماعیل، امامت در فرزند وی، محمد بن اسماعیل مستقر است. (تارم، ۱۳۸۱: ۱۱۸)

در عالم دین همانند عالم جسمانی هم ظاهر و هم باطن در میان است و مقصود شارع، بواطن احکام است نه ظواهر آن. در تأویل آیات و احادیث و احکام شرعی، بیشتر استدلال‌ات آنان مبتنی بر حروف و شماره‌ی آن و معانی رمزی آن‌ها است. (هاجسن، ۱۳۴۳: ۱۸) اسماعیلیان به بهشت و دوزخ جسمانی قائل نیستند، آن‌ها هم چنین به معاد و بعث و نشور جسمانی هم اعتقاد ندارند. در میان اسماعیلیان مانند اهل سنت، اصولاً اعطای آزادی تام و تمام اندیشه مطرح نبود. (دفتری، ۱۳۷۸: ۵۰)

آداب و رسوم خوجه‌ها

پس از سقوط دولت الموت، امام نزاری در پرده‌ی ستر و غیبت ادامه‌ی حیات داد و در نقاط مختلف به صورت مستقل زیر نظر داعی یا پسر یا شیخ خود به



موجودیت خویش ادامه دادند. (دفتری، ۱۳۷۵: ۵۴۲) نزاریان پس از دوره الموت به سه مرحله تقسیم می‌شوند:

مرحله اول تا دو قرن پس از سقوط الموت که طی آن نزاریان ایران تلاش بی‌حاصلی برای به دست گرفتن الموت کردند. در این مدت آن‌ها برای حفظ جان خود از عنوان (صوفی) استفاده می‌کردند. در این مدت انشقاق محمد شاهی و قاسم شاهی در جامعه نزاری رخ داد. محمد شاهی‌ها در اوایل قرن دهم به هند مهاجرت کردند و به مرور از حمایت نزاریان نسبت به آن‌ها کاسته شد و در اوایل قرن سیزدهم خط امامت آنان قطع گردید. (صابری، ۱۳۸۳، ۱۴۲/۲) امامان قاسم شاهی که در مرکز ایران مستقر بودند (انجلمان) به مرور از حمایت اکثریت نزاریان برخوردار شدند و نزاریان وارد مرحله‌ی دوم تاریخ خود کردند.

مرحله‌ی دوم حدود دو قرن به طول انجامید امامان قاسم شاهی کوشیدند بر دیگر نزاریان در سوریه و هند و آسیای مرکزی سلطه یابند. با ظهور صفویان در ایران، آن‌ها توانستند امور دعوت را آزادانه تر دنبال کنند و در زمان زندیه و قاجاریه که ابتدا به کمک و بعد به کرمان منتقل شدند از لحاظ سیاسی اهمیتی کسب کردند. مرحله‌ی سوم از نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم آغاز می‌شود. در این مرحله مقرر امامت از ایران به هند منتقل گردید. امامان نزاری که به آقاخان شهرت یافته بودند در تحکیم موقعیت خود در در جامعه‌ی نزاری به ویژه در هند و سواحل شرق آفریقا کوشیدند.

در دروه‌ی ستر جدید، قاسم شاهی‌ها در هند فعالیت گسترده‌ای داشتند. در قرن هشتم هجری، پیر صدرالدین، جمعیت زیادی از هندوهای کاست (لوهانا) را به مذهب اسماعیلی برگرداند و آنان را خوجه نامید که همان لفظ خواجه ایرانی

است. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۱۲۶) مشهور است که وی اولین جماعت خانهای نزاری را در سند، سپس در پنجاب و کشمیر دایر کرد.

جامعه‌ی خوجه تحت رهبری رهبران محلی که (پیر) خوانده می‌شدند و از طرف امام نزاری در ایران منصوب می‌گردیدند، به مرور رشد کردند و به صورت پایگاه اصلی فرقه‌ی نزاری درآمد. در واقع نزاریان پس از الموت، بیش‌ترین توفیقات خود را در هندوستان کسب نمودند. (دفتری، ۱۳۷۵: ۴۷۹)

اصول عقاید خوجه‌ها

آنان به علت تأثیر پذیری از فرهنگ هندویی، دچار التقاط بیشتری نسبت به بهره‌ها شده‌اند. خوجه‌ها در

اصول و اعتقادات و انجام اعمال عبادی تفاوت‌هایی با شیعیان دوازده امامی دارند. در مورد قرآن به ضرورت مطالعه‌ی آن برای همه‌ی پیروان قائل نیستند و مطالعه‌ی سخنان آقاخان‌ها را لازم تر می‌دانند.

خوجه‌ها، محبت به علی^(ع) را اصل ایمان می‌دانند، نماز را تحت عنوان دعا در اوقات متفاوتی از سایر مسلمین به جا می‌آورند و حتی محتوای آن نیز متفاوت است. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۳۱) اولین اصل اعتقادی خوجه‌ها، امامت است نه

توحید. برای خوجه‌ها، امام، خداست. چون امامانی که در پی یکدیگر آمدند همه نور الهی را از علی^(ع) گرفته‌اند، هر یک تا امام حاضر، تجسّدی از همان

ذات الهی بوده‌اند. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۴۲۳) برای خوجه‌ها، (الله) همان ویشنو است که مجرد، متعالی و غیر قابل درک است. خوجه‌ها فقط چهارتن از پیامبران

را قبول دارند: موسی^(ع)، داود^(ع)، مسیح^(ع) و محمد^(ص).

فرائض دینی خوجه‌ها عبارت‌اند از:

۱. ولایت: محبت اهل بیت پیامبر

۲. نماز: خوجه‌ها مسجد ندارند و محل عبادت آن‌ها (جماعت خانه) نامیده

می‌شود. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۳۰)

خوجه‌ها سه وقت برای دعا کردن دارند:

الف) صبح‌جی دعا- وقت این دعا پس از نیمه شب و معمولاً بین ساعت چهار و پنج بامداد است.

ب) سانجی جی (سانانجو) دعا (نماز مغرب)- که در اول شب و یا بعد از غروب آفتاب خوانده می‌شود.

ج) سومنجی دعا (نماز عشا)- که پیش از خواب شبانه خوانده می‌شود.

۳. روزه: خوجه‌ها فقط روز بیست و یکم رمضان روزه می‌گیرند و آن هم از

شب بیستم و از زمانی که بستر می‌روند تا ظهر بیست و یکم. با این همه، تمام

ماه رمضان از نظر آن‌ها مقدس است، خاصه شب‌های نوزدهم تا بیست و سوم.

علاوه بر آن، خوجه‌ها روز (سامبا) نیز روزه می‌گیرند. هرگاه روز اول ماه، جمعه

باشد، جمعه‌ی بعد، سامبا نامیده می‌شود و روزه‌ی آن مراعات می‌گردد. (بهمن

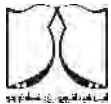
پور، ۱۳۸۶: ۳۵۰)

۴. حج: بر اساس تأویلات اسماعیلیان، حج به معنای زیارت امام است و خوجه

ها این معنی را قبول دارند. برای خوجه‌ها، زیارت آقاخان حکم حج را دارد،

آن‌ها حج بیت الله را واجب نمی‌دانند. خوجه‌ها تقریباً، هرگز به زیارت مکه و

مدینه نمی‌روند، چون قبله را قبول ندارند.



۵. زکات: خوجه‌ها بیش از هر تکلیف شرعی دیگر در مورد زکات تأکید دارند. اندکی از این وجوه به مصرف صدقات و بیشتر آن به امام می‌رسد. کسانی که زکات خود را می‌پردازند، امیدوارند در این دنیا کامیاب و در سرای دیگر، آمرزیده شوند. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۴۴)

۶- جهاد: خوجه‌ها آن را جنگ با نفس اماره تأویل کرده‌اند.

۷- معاد: مانند پیروان آیین هندو، معاد مطرح شده در شرایع آسمانی را منکرند ولی پاداش و کیفر اعمال را پذیرفته و آن را از طریق تناسخ توجیه می‌کنند و در این دنیا می‌دانند.

در زمینه‌ی احکام، به نظر می‌آید خوجه‌ها مانند دیگر اسماعیلیان کتاب (دعائم الاسلام) قاضی نعمان را اصلی‌ترین کتاب اعتقادی، مذهبی و فقهی خود بدانند اما این گونه نیست، زیرا آن‌ها چنان در بند احکام آیین هندو افتادند که بیشتر احکام و مراسم مذهبی خود را بر اساس احکام هندوها تنظیم می‌کنند و هیچ کدام از احکام اسلامی را قبول ندارند. آن‌ها عید قربان و فطر را جشن نمی‌گیرند و مخالف برپایی مراسم عزاداری دهه‌ی محرم هستند، زیرا معتقدند، ارواح علی^(ع)، حسن^(ع) و حسین^(ع) در وجود امام حاضر حلول کرده است. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۴۵۵)

خوجه‌ها برای رسیدن به مقامات سیاسی و فعالیت در عرصه‌ی سیاسی به اندازه‌ی بهره‌ها دید منفی ندارند و به بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی رسیدند. مهم‌ترین ایشان محمد علی جناح، بنیان‌گذار پاکستان است. (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۲۳۲) آنها در ازدواج و احکام شرعی پای بند قواعد هندو هستند. غالباً مرده‌های خود را در کربلا و نجف به خاک می‌سپردند، ولی اکنون که امام

آن‌ها در هند به سر می‌برد، این رسم دیگر چندان معمول نیست. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۴۵۸)

آداب و رسوم بهره‌ها

در زمان خلیفه‌ی المستنصر در سال (۴۶۰ هـ. ق) داعی بزرگ یمن، داعی مکرم هیئتی را به رهبری داعی عبدالله به کامبای در ساحل گجرات فرستاد. وی در آن جا موفق شد گروهی از هندوان را که به (بهره) شهرت یافتند به آئین اسماعیلی درآورد. بعد از عبدالله، یعقوب پسر (بارمل) رهبری دعوت در هند را عهده دار شد. پسر عموی یعقوب، فخرالدین که از طرف او به راجستان اعزام شد، در آن جا به قتل رسید و مقبره‌اش در گالیاکوت به عنوان اولین شهید اسماعیلیه در هند از احترام ویژه بهره‌ها برخوردار است. (دانشنامه ایران و اسلام، ۱۳۷۷: ۴/۸۱۱)

بهره‌ها در اعتقادات خود همواره دنباله رو دعوت یمن بودند و لذا در دعوی مستعلی و نزار جانب مستعلی و در دعوی حافظ و طیب از امامت طیب طرفداری می‌کردند. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۹۹) در قرن نهم آشوب بی سابقه‌ای در جامعه‌ی بهره‌ها رخ داد. در این زمان والی دعوت در هند شخصی به نام مولایی حسن بود که در دوره‌ی هجدهمین داعی مطلق طیبی، علی بن عبدالله (۸۳۲-۸۲۱ ق) به این سمت منصوب شده بود. مولایی حسن در احمد آباد مدرسه‌ای برای آموزش علوم دینی بنا کرد. یکی از طلباب به نام "جعفر" از پتان، بدون اجازه مولایی حسن به یمن رفت تا از محضر درس داعی مطلق استفاده کند. او پس از دو سال به گجرات بازگشت و با اصرار مردم



کامبای، نماز جماعت اقامه کرد که نیاز به اجازه‌ی مولایی حسن بود. به دنبال اختلاف بین این دو، بهره‌های سنی به جماعت کلان یا بهره‌ی جعفری و بهره‌های اسماعیلی به جماعت خرد مشهور شدند. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۰۰)

واژه بهره به احتمال از نام جمعیت التقاطی هندویی (وهره) و یا از کلمه‌ی گجراتی (وهورو) به معنای تجارت که شغل آن‌ها ست، گرفته شده است. بهره‌ها دو فرقه‌ی مشخص دارند که عبارت‌اند از:

سلیمانیه: پیروان سلیمان بن حسن که در گجرات، بمبئی و دکن زندگی می‌کنند. داوودیه: پیروان داود بن عجب شاه که با مذهب اسماعیلیه یمن ارتباط دارند. اداره این جماعت بر اساس اطاعت مطلق از اولی الامر استوار است. در رأس آن‌ها "داعی مطلق" یعنی رهبر بلا منازع قرار دارد، پس از آن "مأذون و مکاسر" هستند که به منظور اجرای عبادات دسته جمعی و اجرای مراسم زناشویی و سایر خدمات معین شده‌اند. (عزیز احمد، ۱۳۶۶: ۳۵) در مراتب پایین تر "ملا"ها جای دارند که به عنوان معلم در مدارس مشغول‌اند.

بهره‌ها در محله‌ای از شهر که منحصر به آن‌هاست زندگی می‌کنند و مساجد خاص خود دارند. آنها از میان خود همسر اختیار می‌کنند و زنان آن‌ها حجاب را مراعات نمی‌کنند. آنها برخلاف خوجه‌ها، احکام و عبادات را به دقت اجرا می‌کنند، مثلاً در مراسم عید غدیر از فرقه‌ی امامیه تبعیت می‌کنند. آن‌ها افرادی منسجم، منظم، متهور در امر بازرگانی، مرفه، آرام و نجیب هستند. آنان، هندوان را نجس می‌دانند. (عزیز احمد، ۱۳۶۶: ۳۶)

اصول عقاید بهره‌ها

به طور نظری، امام و سلسله‌ی اخلافش که هنوز در غیبت به سر می‌برند، مهم‌ترین اصول دین بهره‌هاست. در واقع بسیاری از بهره‌ها، داعی مطلق را جانشین او می‌دانند. مهم‌ترین اصول عقاید بهره‌ها عبارت‌اند از:

۱. قرآن: نخستین کتاب دینی خود می‌دانند و در مدارس تعلیم داده می‌شود.
۲. سنت: یعنی حدیث و سخنان پیامبر که از کتب عمده‌ی آنهاست اما ضروری به شمار نمی‌آید.
۳. خدا: مفهومی مجرد و دور از ذهن دارد.
۴. پیامبر: محمد (ص) را بنده و رسول خدا و سرآمد پیامبران می‌دانند.

در باب فرایض دینی

۱. نماز: اذان آنها، همان اذان شیعیان است، آنها جماعت خانگی خاص خود را دارند و برای نماز فقط بهره‌ها در مسجد اجتماع می‌کنند و آداب رضوی آنها مانند سنی‌هاست. (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۳۲۱) بهره‌ها در سه نوبت نماز می‌خوانند: نماز فجر، نماز بعد از ظهر و نماز شامگاه. در خاتمه‌ی هر نماز، اسامی محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و بیست و یک امام را یاد می‌کنند. آنها نماز جمعه ندارند. کتاب دعای آنها، "صحیفه الصلاة" است که به لغت گجراتی و به زبان عربی نوشته شده است.

۲. زکات که شامل زکات صلاه، که همه‌ی اعضا باید بپردازند، و زکات فطر، که از زکات سالانه است.



۳. حق النفس که زکات صعود ارواح گذشتگان است و از خویشاوندان متوفی جمع آوری می‌کنند.

۴. زکات دعوت که برای تأمین هزینه‌های دعوت است و سه صورت دارد:

(الف) مالیات بر درآمد که از بازرگانان می‌گیرند.

(ب) خمس: یعنی یک پنجم درآمد.

(ج) کفاره: که برای بجای نیابردن روزه یا نماز وجهی می‌پردازند.

۵. روزه بهره‌ها ماه رمضان را کامل روزه می‌گیرند. بهره‌ها چون عقیده دارند

شب بیست و هفتم ماه رمضان، ليله القدر می‌باشد و خاص حضرت فاطمه (س)

است، روزه می‌گیرند و سراسر این شب را بیدار می‌مانند. آن‌ها اولین و آخرین

پنجشنبه‌ی هر ماه و چهارشنبه‌ی وسط آن را نیز روزه می‌گیرند. (هالیستر، ۱۳۷۳:

۳۲۲)

۶. حج و زیارت: آن‌هایی که استطاعت حج دارند، بر خود واجب می‌دانند، اما

معتقدند بدون وفاداری به سوگند میثاق، نزد خداوند به حساب نمی‌آید. زیارت

اماکن در بین آن‌ها، امری بسیار متداول است. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۳۲۴)

۷. جهاد: بر بهره‌ها واجب است هر زمان که امام یا داعی لازم بداند با مال و

جان خویش، خالصانه در جهاد شرکت کنند و بجنگند.

زندگی اجتماعی بهره‌ها

زندگی بسته و محدود دارند. مردان بهره دو نوع لباس دارند، یکی برای نماز

(فته) و دیگری برای مجالس و محافل که لباس سفید رنگی با یک عمامه است.

زنان بهره هم لباس مخصوص به خود دارند که (بقعه یا ردا) نام دارد. پوشیدن

لباس تیره و مشکی ممنوع است زیرا با وجود امام، چه در غیبت نیازی به ماتم سرایی نیست. از عادات دیگر آنان، کوتاه ساختن سبیل مردان و گذاشتن ریش بلند است.

از دیگر آداب و رسوم بهره‌ها، ختنه‌ی دختران و پسران در سنین کودکی است که از چهار روزگی آغاز و تا چهارسالگی انجام می‌گیرد. بهره‌ها تنها گروه شیعه محسوب می‌شوند که ختنه‌ی دختران را لازم می‌دانند. مراسم ازواج بهره‌ها، آمیزه‌ای از رسوم و عادات مسلمانان هندی و هندوهاست که با عقد نکاح شرعی آغاز می‌گردد. (عرب احمدی، ۱۳۷۹: ۷۸) در بین بهره‌ها، حضور شاهدین در عقد ازدواج ضروری است، هم چنین در بین آن‌ها پرداخت مهریه مرسوم نمی‌باشد.



نتیجه‌گیری

پس از ورود تشیع اسماعیلی به شبه قاره‌ی هند در قرن سوم هجری و به دنبال تلاش‌های دوستاناران اهل بیت پیامبر^(ص) و امامان شیعه و همچنین ناتوانی خلفای عباسی در بغداد، ولایت سند عملاً از دست خلافت خارج شده بود و به مرور برای خود مختاری به دست آورد. شعبه‌های مهم اسماعیلیه در هند، بهره‌ها و خوجه‌ها هستند. خوجه‌ها در اصول و اعتقادات با شیعیان دوازده امامی و عموم مسلمانان تفاوت‌هایی دارند. امروزه رهبر آنها، آقاخان است و کریم خان به عنوان چهلمین امام آنهاست.

خوجه محبت به علی^(ع) را اصل ایمان می‌دانند، نماز را تحت عنوان دعا در اوقات مختلفی از سایر مسلمین به جای می‌آورند. آنها فقط روز ۲۱ ماه رمضان روزه می‌گیرند و آن هم از شب بیستم تا ظهر روز ۲۱. خوجه قبله را قبول نداشته و هرگز به زیارت مکه و مدینه نمی‌روند و حج را به عنوان زیارت امام قبول دارند. به طور کلی خوجه‌ها به آداب و رسوم هندیان بیشتر تمایل پیدا کرده‌اند. بهره‌ها در انجام عبادات و احکام اسلامی نسبت به خوجه‌ها مقیدترند و آرام و صلح طلب‌اند. آنها به زیارت قبور ائمه و حج و انجام مراسم میلاد و شهادت ائمه تا امام ششم اعتقاد دارند.

پیشوای بهره‌ها (امام بیست و یکم) در هند و شهر بمبئی اقامت دارد. بر اساس اعتقادات آنها، امامت به صورت جانشینی نبوده و پس از فوت هر یک از امامان، امام بعدی طی انتخابات و بوسیله‌ی مردم انتخاب می‌شود و دارای اختیار و قدرت کامل می‌باشد. تفاوت در امامت سبب جدایی اسماعیلیان هند (بهره‌ها و خوجه‌ها) با شیعیان ۱۲ امامی شده است.

منابع

- احمد، عزیز (۱۳۶۶). تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه‌ی نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران، کیهان.
- بهمن پور، محمد سعید (۱۳۸۶). اسماعیلیه از گذشته تا حال، تهران، فرهنگ مکتوب.
- پطروشفسکی، ایلیا پولویچ (۱۳۵۴). اسلام در ایران، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، پیام.
- تارم، میثم (۱۳۸۱). تاریخ و عقاید اسماعیلیه آقاخانیه، کرمان، مرکز کرمان شناسی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین و دیگران، (۱۳۸۰). دائرة المعارف تشیع، ج ۲ و ۳، تهران، نشر محبی.
- دانشنامه ایران و اسلام (۱۳۵۴). (بخش تاریخ آقاخان)، تهران، بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
- دفتری، فرهاد، (۱۳۷۶). افسانه‌های حشاشین یا اسطوره‌های فدائیان اسماعیلی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز.
- _____ (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، نشر و پژوهش فروزان روز.
- _____ (۱۳۷۸). مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، نشر و پژوهش فروزان روز.



- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۱). *دین و سیاست: مورد هند، تهران، مرکز چاپ و انتشارات صحیفه و وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.*
- صابری، حسین (۱۳۸۳). *تاریخ فرق اسلامی (۲)*، تهران، سمت.
- عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۷۹). *شیعیان تانزانایای دیروز و امروز، تهران، الهدی.*
- فرمانیان مهدی (۱۳۸۶). *درسنامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، قم، نشر ادیان.
- _____ (۱۳۸۹). *آشنایی با فرقه تشیع*، قم، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- لویس، برنارد و دیگران (۱۳۶۴). *اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، مولا.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). *فرقه‌های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۹). *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- هاجسن، مارشال، گ. س (۱۳۴۳). *فرقه‌ی اسماعیلیه*، ترجمه‌ی فریدون بدره-ای، تهران، انتشارات فرانکلین.
- هالیستر، جان نورمن (۱۳۷۳). *تشیع در هند*، ترجمه‌ی آذرمیدخت مشایخ فریدونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.